اشاره

عربستان به همراه امارات، بحرین و مصر در خرداد ماه ۹۶ قطر را با اتهام حمایت از تروریسم تحریم کرده و با این کشور روابط خود را قطع کرد. اما در این مدت قطر توانست از این حصار خارج شده و این محاصره را بشکند. اکنون پس از سه سال و نیم عربستان به این نتیجه رسیده که باید در برابر قطر تسلیم شود. به همین دلیل امیر قطر به عربستان سفر و با استقبال گرم محمد بن‌سلمان ولیعهد سعودی مواجه شد. در نهایت نیز چهل و یکمین نشست شورای همکاری خلیج‌فارس در شهر العلا در عربستان برگزار شد و بیانیه العلا با هدف پایان دادن به تنش در شورای همکاری خلیج‌فارس امضا شد. اما عربستان چرا در برابر قطر عقب‌نشینی کرد؟

سرویس خارجی

محمدرضا مرادی

### واکاوی دلایل عقب‌نشینی ریاض در برابر دوحه

# قطر چگونه برادر بزرگ‌تر را شکست داد؟

**عقب‌نشینی ریاض در برابر دوحه برتری رویکرد مقاومت قطر در مقابل فشار حداکثری عربستان، مصر، بحرین و امارات بود.**

### شروط ۱۳ گانه

در سال ۲۰۱۷ قطر توسط چهار کشور عربی(عربستان، مصر، بحرین و امارات) محاصره شد. این کشورها قطر را متهم به حمایت از تروریسم کردند و تمام روابط خود را با دوحه قطع کردند. در نهایت این چهار کشور عربی ۱۳ شرط را برای پایان دادن به محاصره قطر اعلام کردند:

- کاهش روابط دیپلماتیک با ایران
- اخراج کلیه افراد مرتبط با سپاه پاسداران که در قطر حضور دارند
- روابط تجاری با ایران در چارچوب تحریم‌های آمریکا
- تعطیلی کامل شبکه الجزیره
- بسته شدن پایگاه نظامی ترکیه در قطر
- قطع حمایت از حزب‌الله لبنان
- قطع حمایت از اخوان‌المسلمین
- قطع حمایت از القاعده
- قطع حمایت از داعش
- عدم اعطای تابعیت به شهروندان ۴ کشور عربستان، امارات، بحرین و مصر

انتشار لیستی از گروه‌های اپوزیسیون حمایت شده در ۴ کشور عربستان، امارات، بحرین و مصر

- تحویل‌اشخاصی که از سوی این ۴ کشور تحت تعقیب بوده و متهم به انجام اقدامات تروریستی هستند.
- پرداخت مبالغی معین به ۴ کشور فوق

در واقع عربستان و سه کشور دیگر عربی با اعلام این شروط به دنبال از بین بردن حاکمیت قطر بوده و سعی کردند آن را به کشوری وابسته به خود تبدیل کنند. اما پس از سه سال و نیم بدون تحقق هیچ کدام از این ۱۳ شرط در نهایت این عربستان بود که تسلیم شد و روابط خود را با قطر از سرگرفت.

**قطر به عنوان یک کشور کوچک به مدت سه سال و نیم، قدرت پوشالی بن‌سلمان را به چالش کشید و نشان داد که آل‌سعود در شکننده‌ترین دوران حیات خود به سر می‌برد.**

***

**توافق العلا در مورد پایان تنش بین قطر و عربستان نشانه‌ای از پایان نظم تحمیلی ترامپی بر منطقه غرب آسیا بود. ترامپ در ۴ سال گذشته برای غرب آسیا، نظم آنارشیک در نظر گرفته بود.**

چهل و یکمین نشست شورای همکاری خلیج‌فارس روز ۱۶ دی ماه ۱۳۹۹ در شهر العلا در عربستان برگزار شد. این نشست درحالی برگزار شد که دولت کویت پیش از آن از توافق دوحه و ریاض برای بازگشایی مرزهای دریایی،هوایی و زمینی خبر داده بود.در پایان این اجلاس که با هدف پایان بخشیدن به بحرانی سه ساله در روابط قطر با کشورهای امارات،عربستان ،بحرین و مصر برگزار شده بود، بیانیه‌ای توسط شرکت‌کنندگان به امضا رسید. هر چند بندهای این بیانیه که گفته می‌شود در راستای پایان بخشیدن به بحران سه ساله در روابط قطر با دول چهارگانه تنظیم شده است، منتشر نشده اما امیر کویت محتوای آن را توافق همبستگی دائمی عنوان کرده است. براساس آنچه تاکنون مشخص شده است؛ در این بیانیه سه کشور عربستان ، بحرین و امارات ضمن پایان بخشیدن به محاصره قطر، کلیه مرزهای خود را بر روی قطر بازگشایی خواهند کرد و در عوض دوحه شکایات خود از این سه کشور را در نهادهای بین‌المللی تعلیق می‌کند. جزئیات خبری این توافق هنوز مشخص نیست، اما تحلیل‌های مختلفی در این خصوص وجود دارد.

**اول؛** عربستان برای توافق با قطر، سه کشور دیگر یعنی امارات، بحرین و مصر را نادیده گرفت. از این رو، هیچ یک از این سه کشور در نشست العلا در سطح عالی شرکت نکردند. این نشان می‌دهد تنش با قطر همچنان وجود دارد و هنوز در شورای همکاری قطب‌بندی حکمفرما است.

**دوم؛** امارات بازنده اصلی توافق العلا بود. امارات در ماه‌های اخیر شاهد تنش در روابط با ترکیه بود، در حالی که قطر روابط رو به رشدی با آنکارا دارد. از سوی دیگر، امارات مدعی این است که بازیگری تاثیرگذار در غرب آسیا و از جمله جهان عرب است، اما عربستان در توافق العلا عملا امارات را نادیده گرفت. به همین دلیل نیز محمد بن زاید، ولیعهد ابوظبی در این نشست شرکت نکرد.

**سوم؛** توافق العلا برتری رویکرد مقاومت قطر در مقابل فشار حداکثری عربستان و سه کشور دیگر بود. طی سه سال و نیم گذشته، عربستان و سه کشور دیگر با محاصره و تحریم تلاش کردند قطر را برای تغییر سیاست خارجی خود تحت فشار قرار دهند، اما دولت و مقامات دوحه مکرراً تاکید کردند نقض حاکمیت و استقلال کشورشان را نمی‌پذیرند. قطر هیچ یک از شروط ۱۳ گانه را نپذیرفت و در نشست العلا شرکت کرد.

**قطر به عنوان یک کشور کوچک به مدت سه سال و نیم، قدرت پوشالی بن‌سلمان را به چالش کشید و نشان داد که آل‌سعود در شکننده‌ترین دوران حیات خود به سر می‌برد.**

***

**توافق العلا در مورد پایان تنش بین قطر و عربستان نشانه‌ای از پایان نظم تحمیلی ترامپی بر منطقه غرب آسیا بود. ترامپ در ۴ سال گذشته برای غرب آسیا، نظم آنارشیک در نظر گرفته بود.**

**چهارم؛** توافق العلا نشانه‌ای از پایان نظم تحمیلی ترامپی بر منطقه غرب آسیا بود. ترامپ در ۴ سال گذشته برای غرب آسیا، نظم آنارشیک در نظر گرفته بود. آمریکا در این نوع نظم، از هرج و مرج استقبال می‌کند، ثبات را سازگار با منافع خود نمی‌داند و منافع خود را در تداوم وضعیت آنارشیک تعقیب می‌کند. از این رو، با وجود اینکه قطر و عربستان متحد آمریکا هستند، اما دولت ترامپ برای پایان دادن به تنش تلاشی انجام نداد. عربستان نیز از این رویکرد ترامپ برای تداوم منطق زور و سلطه در سیاست خارجی خود در قبال کشورهای منطقه از جمله قطر بهره گرفت.

**یکی از دلایلی که بن‌سلمان در برابر قطر مجبور به عقب‌نشینی شد این بود که بن‌سلمان در داخل کشور مشروعیت شکننده‌ای دارد و نمی‌تواند با اقتدار کامل در مورد قطر عمل کند.**

***

**امارات بازنده اصلی توافق العلا بود. امارات در ماه‌های اخیر شاهد تنش در روابط با ترکیه بود، در حالی که قطر روابط رو به رشدی با آنکارا دارد.**

در روابط قطر با کشورهای امارات،عربستان ،بحرین و مصر برگزار شده بود، بیانیه‌ای توسط شرکت‌کنندگان به امضا رسید. هر چند بندهای این بیانیه که گفته می‌شود در راستای پایان بخشیدن به بحران سه ساله در روابط قطر با دول چهارگانه تنظیم شده است، منتشر نشده اما امیر کویت محتوای آن را توافق همبستگی دائمی عنوان کرده است. براساس آنچه تاکنون مشخص شده است؛ در این بیانیه سه کشور عربستان ، بحرین و امارات ضمن پایان بخشیدن به محاصره قطر، کلیه مرزهای خود را بر روی قطر بازگشایی خواهند کرد و در عوض دوحه شکایات خود از این سه کشور را در نهادهای بین‌المللی تعلیق می‌کند. جزئیات خبری این توافق هنوز مشخص نیست، اما تحلیل‌های مختلفی در این خصوص وجود دارد.

**اول؛** عربستان برای توافق با قطر، سه کشور دیگر یعنی امارات، بحرین و مصر را نادیده گرفت. از این رو، هیچ یک از این سه کشور در نشست العلا در سطح عالی شرکت نکردند. این نشان می‌دهد تنش با قطر همچنان وجود دارد و هنوز در شورای همکاری قطب‌بندی حکمفرما است.

**دوم؛** امارات بازنده اصلی توافق العلا بود. امارات در ماه‌های اخیر شاهد تنش در روابط با ترکیه بود، در حالی که قطر روابط رو به رشدی با آنکارا دارد. از سوی دیگر، امارات مدعی این است که بازیگری تاثیرگذار در غرب آسیا و از جمله جهان عرب است، اما عربستان در توافق العلا عملا امارات را نادیده گرفت. به همین دلیل نیز محمد بن زاید، ولیعهد ابوظبی در این نشست شرکت نکرد.

**سوم؛** توافق العلا برتری رویکرد مقاومت قطر در مقابل فشار حداکثری عربستان و سه کشور دیگر بود. طی سه سال و نیم گذشته، عربستان و سه کشور دیگر با محاصره و تحریم تلاش کردند قطر را برای تغییر سیاست خارجی خود تحت فشار قرار دهند، اما دولت و مقامات دوحه مکرراً تاکید کردند نقض حاکمیت و استقلال کشورشان را نمی‌پذیرند. قطر هیچ یک از شروط ۱۳ گانه را نپذیرفت و در نشست العلا شرکت کرد.

**چهارم؛** توافق العلا نشانه‌ای از پایان نظم تحمیلی ترامپی بر منطقه غرب آسیا بود. ترامپ در ۴ سال گذشته برای غرب آسیا، نظم آنارشیک در نظر گرفته بود. آمریکا در این نوع نظم، از هرج و مرج استقبال می‌کند، ثبات را سازگار با منافع خود نمی‌داند و منافع خود را در تداوم وضعیت آنارشیک تعقیب می‌کند. از این رو، با وجود اینکه قطر و عربستان متحد آمریکا هستند، اما دولت ترامپ برای پایان دادن به تنش تلاشی انجام نداد. عربستان نیز از این رویکرد ترامپ برای تداوم منطق زور و سلطه در سیاست خارجی خود در قبال کشورهای منطقه از جمله قطر بهره گرفت.

پنجم؛ توافق العلا حتی اگر شکننده و تحت فشار هم انجام شده باشد، گامی مثبت برای نظم امنیتی غرب آسیا است. این منطقه در ۴ سال گذشته، تنش و بی‌ثباتی شدیدی را تجربه کرد. هر توافقی که منجر به کاهش تنش و بی‌ثباتی شود، اقدامی در راستای منافع کشورهای منطقه است. این توافق می‌تواند گامی برای گفت‌وگو میان دیگر کشورهای منطقه برای پایان دادن به تنش و خصومت دوجانبه و همچنین تقویت صلح و ثبات منطقه‌ای باشد.

### دلایل شکست عربستان

اما چرا عربستان مجبور به عقب‌نشینی در برابر قطر شد. برای رسیدن به پاسخ این سؤال باید این نکته را در نظر داشت که شکست عربستان در برابر قطر تابعی از دیگر شکست‌های این کشور در عرصه منطقه‌ای به شمار می‌رود.

### شکست در یمن

محمد بن‌سلمان ولیعهد سعودی سعی داشت با به راه انداختن جنگ یمن و پیروزی در آن یک برگ برنده را هم برای بازی‌های داخلی و هم کنشگری منطقه‌ای به دست بیاورد. اما شکست عربستان در این جنگ قدرت وی را به شکل محسوسی تضعیف کرده است. در بیش از ۲۰۰۰ روزی که از جنگ گذشته نشان داده‌اند که گزینه‌های استراتژیکی در اختیار دارند که می‌تواند در هر برهه معادلات نبرد را تغییر دهد. انقلابیون در قالب سه عملیات توازن بازدارندگی توانسته‌اند قدرت پدافندی و آفندی خود را اثبات کنند. انصارالله یمن ۲۶ مرداد۹۸ حمله به دو پایگاه البقیق و الخریص، «عملیات توازن باردارندگی دوم» نام گرفت.

سه‌شنبه دوم اسفند ماه ۹۸ هم «عملیات توازن بازدارندگی سوم» انجام شد. این عملیات با دو موشک بالستیک «قدس»، ۱۲ پهپاد صماد-۳ و موشک بالستیک و دوربرد ذوالفقار انجام شد. در این عملیات شرکت آرامکو و اهدف حساس دیگر در «ینبع» (در غرب عربستان) با دقت هدف گرفته شد. نیروهای موشکی و پهپادی ارتش یمن در عملیات خود به ینبع، هشت مکان را در عمق شهر صنعتی عربستان در ینبع هدف قرار دادند.

تیرماه ۹۹ نیز سخنگوی نیروهای مسلح یمن اعلام کرد، به‌یاری و توفیق الهی، عملیات تهاجمی بزرگ «موازنه بازدارندگی چهارم» را علیه پایتخت دشمن سعودی انجام دادیم. وی تأکید کرد که این عملیات با تعداد زیادی از موشک‌های بالستیک و موشک‌های بالدار قدس و ذوالفقار و هواپیماهای بدون سرنشین در عمق خاک عربستان انجام شده است.

علاوه بر این چهار عملیات، ارتش یمن موفق شده که استان راهبردی الجوف را از اشغال ائتلاف سعودی خارج کند و در شرایط کنونی آزادسازی مارب در دستور کار انقلابیون یمن قرار گرفته است. مارب به دلیل وجود منابع و صنایع نفت و گاز و نیز سد مارب و شبکه آبیاری آن به قطب اقتصادی شمال یمن تبدیل شده است و درسال‌های جنگ نیز به عنوان مرکز نیروهای ائتلاف عربی در شمال یمن شناخته می‌شود.

علاوه بر این در سال ۲۰۲۰ ارتش یمن کارنامه درخشانی را از خود به نمایش گذاشت. سرتیپ «یحیی سریع» سخنگوی نیروهای مسلح یمن در این مورد گزارشی از تحولات و روند جنگ یمن در سال ۲۰۲۰ را ارائه کرد. به نوشته المسیره، یحیی سریع گفت که ائتلاف سعودی در یک سال گذشته بیش از ۸۸۸۸ حمله هوایی به ۱۳ استان یمن انجام داده که ۴۱۰ مورد آن، به وسیله پهپاد بود. او همچنین گفت که استان مأرب به تنهایی ۳۶۲۱ بار هدف حمله هوایی قرار گرفته است. استانی که در ماه‌های گذشته شاهد درگیری‌های شدید در اطراف شهر مأرب بود. همچنین استان الجوف ۱۹۸۱ بار و صعده ۷۲۶ بار مورد حمله هوایی قرار گرفته‌اند.

یحیی سریع همچنین به حملات و صدها مورد نقض توافق آتش‌بس در استان الحدیده‌اشاره کرد و حمله توپخانه‌ای به یک مراسم عروسی در الحدیده در شامگاه جمعه را یادآور شد و گفت که حملات هوایی در سال ۲۰۲۰ صدها کشته بر جای گذاشته و خسارات زیادی به دارایی‌های مردم وارد کرده است. سخنگوی نیروهای مسلح سپس گفت که ادامه حملات ائتلاف سعودی و جنایت‌هایش موجب شد تا نیروهای یمنی نیز حملاتی به عمق خاک عربستان و همچنین به مواضعشان در خاک یمن انجام دهند و از این رو بیش از ۹۷۴ عملیات نظامی در طول یک سال گذشته علیه ائتلاف سعودی انجام شد که بارزترین آنها عملیات «بنیان المرصوص»، «فامکن منهم» و عملیات پاکسازی منطقه «قیفه» بود. به گفته وی در طول این عملیات‌ها، صدها تن از عناصر ائتلاف سعودی خود را به نیروهای یمنی تسلیم کرده‌اند. همزمان بیش از ۶۴۶۷ تن از عناصر ائتلاف کشته و بیش از ۸۸۹۹ تن دیگر زخمی شده‌اند. همچنین بیش از ۱۰۹۰ خودرو و نفربر وتانک و ادوات نظامی ائتلاف سعودی منهدم شده است.

یحیی سریع درخصوص حملات موشکی نیز گفت که ۲۵۳ موشک بالستیک به سمت اهداف دشمن سعودی شلیک شده است که از این تعداد ۱۷۸ موشک بالستیک مواضع و پایگاه‌های ائتلاف سعودی و مزدورانش را در خاک یمن هدف قرار دادند و ۷۵ موشک بالستیک و کروز به عمق خاک عربستان شلیک شده است. از این ۷۵ مورد، ۲۰ موشک بدر«پی»، و ۳۰ موشک بدر۱، ۷ موشک کروز قدس و شش موشک ذوالفقار و ۱۲ موشکی که هنوز مشخصاتشان افشا نشده، بودند.

یحیی سریع با تأکید بر اینکه قدرت موشکی توانایی خود را در پاسخ مناسب و وارد ساختن خسارات بالا به خصوص در تأسیسات حیاتی اثبات کرده، گفت که نیروهای مسلح یمن موشک‌های بالستیک و کروزی در اختیار دارند که می‌تواند تأسیسات بیشتری در عمق خاک عربستان مورد هدف قرار دهد. او سپس گفت: «۱۰ بانک هدف حساس و حیاتی در عمق خاک عربستان وجود دارد که در هر لحظه‌ای می‌تواند هدف قرار گیرد و اگر فرماندهان تصمیم بگیرند، در کمتر از ۲۴ ساعت این ۱۰ هدف حساس را می‌توانیم با حملات منحصربفرد هدف قرار دهیم.» یحیی سریع در ادامه قدرت موشکی یمن را مایه افتخار مردم یمن در این مرحله تاریخی دانست.

او سپس به حملات پهپادی پرداخت و گفت بیش از ۵۶۱۳ عملیات تهاجمی و شناسایی در طول سال ۲۰۲۰ علیه مواضع ائتلاف سعودی صورت گرفته است که از این میان ۲۶۷ عملیات تهاجمی پهپادی در عمیق خاک عربستان و ۱۸۰ عملیات تهاجمی در جبهه داخلی انجام شده است. سخنگوی نیروهای مسلح یمن همچنین گفت که نسل جدید پهپادهای تهاجمی هنوز رونمایی نشده‌اند. پهپادهایی که به گفته وی قدرت بالایی در سطح سرعت و اصابت به هدف و قدرت تخریبی دارند. یحیی سریع همچنین به پدافند هوایی یمن‌اشاره کرده و گفت در سال ۲۰۲۰، بیش از ۷۳۰ مرتبه پدافند هوایی ارتش یمن توانسته اهداف خود را ساقط کرده یا مجبور به عقب‌نشینی کند.

در واقع کارنامه بن سلمان در یمن یک کارنامه شکست خورده است که اعتبار منطقه‌ای وی را بیش از پیش تضعیف کرده و همین مسئله به کاهش قدرت وی در برخورد با دیگر پرونده‌های منطقه‌ای مانند بحران قطر منجر شده است.

### فاجعه قتل خاشقجی

دلیل دیگر در مورد چرایی عقب‌نشینی بن‌سلمان در برابر قطر به فاجعه قتل جمال خاشقجی روزنامه‌نگار منتقد سعودی در کنسولگری عربستان در اسلامبول بر می‌گردد. بن سلمان با رونمایی از سند ۲۰۳۰ به دنبال معرفی کشور عربستان به عنوان کشور مدرن با آینده‌ای مدرن‌تر بود. برای این منظور سفری یک ماهه به آمریکا و یک تور طولانی به اروپا داشت. با شرکت‌های مختلف از جمله شرکت‌های آی تی و در واقع شبکه‌های اجتماعی و سرمایه‌گذاران مختلف به مذاکره پرداخت تا بتواند عربستان را به سمت کشوری مدرن هدایت کند؛ تا حدی موفق به انجام اقداماتی شد، اما قتل خاشقجی همه چیز را خراب کرد. با فاجعه قتل خاشقجی، جامعه و سرمایه‌گذاران و شرکت‌های غربی نسبت به بن سلمان احساس ناامنی کرده و بیشتر قراردادها ملغی شد. این مسئله ضربه‌ای بزرگ به حیثیت ادعایی بن سلمان در سطح جهانی بود و باعث کاهش نفوذ منطقه‌ای و جهانی وی شد.

### تضعیف جایگاه داخلی بن سلمان

سومین عاملی که باعث شد محمد بن سلمان قدرت منطقه‌ای خود را از دست دهد، بحث اختلافات داخلی است. محمد بن سلمان بر خلاف عرف حاکم بر جامعه عربستان به ولیعهدی رسیده است. ولیعهد اول ملک‌سلمان، مقرن بن عبدالعزیز بود که بنا به دلایلی استعفا داد و محمد بن نایف ولیعهد عربستان و محمد بن سلمان به عنوان، ولی ولیعهد عربستان یعنی جانشین ولیعهد مطرح شد؛ اما در سال ۲۰۱۷ محمد بن سلمان، با کودتایی که علیه بن نایف کرد او را وادار به استعفا کرده و خود به عنوان ولیعهد انتخاب شد؛ علاوه‌بر این وارث واقعی تاج و تخت بعد از ملک سلمان، احمد بن عبدالعزیز برادر ملک سلمان پادشاه عربستان است که بن سلمان احمد بن عبدالعزیز و بن نایف را دستگیر کرده و حتی بنا به برخی اخبار آنها را در صحرا زندانی کرد و حتی شایعه مرگ این دو نیز وجود دارد، این مسائل در کنار سرکوب فعالان مدنی مانند لجین الهذلول که یک فعال مدنی شناخته شده در سطح جهانی و طرفدار آزادی رانندگی برای زنان بود و دیگر شخصیت‌ها حتی بازداشت مفتی‌های عربستان باعث ایجاد یک نارضایتی در طبقه حاکم نسبت به بن سلمان شده حتی بحث حمایت او از عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی باعث شده است که طیف گسترده‌ای از قبائل عربستان و حتی مردم این کشور علیه این تصمیم باشند.

مضاوی الرشید یکی از مخالفان خارج نشین عربستان که در لندن زندگی می‌کند اخیرا اعلام کرده بود یکی از دلایلی که محمد بن سلمان عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی را علنی نمی‌کند ترس از قیام در داخل کاخ علیه بن سلمان است، این یعنی حتی تا داخل کاخ سعودی نیز مخالفت علیه بن سلمان وجود دارد؛ بنابراین یکی از دلایل دیگری که بن سلمان در برابر قطر مجبور به عقب‌نشینی شد همین مسئله بود که او در داخل کشور نیز مشروعیت شکننده‌ای داشته و تضعیف شده است بنابراین نمی‌تواند با اقتدار کامل در مورد قطر عمل کند.

### پیروزی جو بایدن

اما ضربه بسیار مهم و شاید بتوان گفت مهم‌ترین ضربه‌ای که به بن سلمان وارد شد و آن را وادار به عقب‌نشینی در برابر قطر کرد شکست ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا و پیروزی جو بایدن بود. بدون حمایت‌های ترامپ امکان نداشت بن سلمان به عنوان ولیعهد عربستان شناخته شود، چون جناح دموکرات در داخل آمریکا به صورت قدیمی حامی خانواده نایف هستند و نایف زمانی که وزیر کشور بود با آمریکایی‌ها روابط بسیار صمیمانه‌ای داشت و از او به عنوان پادشاه آینده یاد می‌شد، زمانی که جارد کوشنر، داماد ترامپ با بن سلمان دیدارهایی داشت و در نهایت زمینه را برای ولیعهدی بن سلمان آماده کرد مشخص بود که ترامپ آن نگاهی را که به عرصه منطقه دارد در سیاست خارجی عربستان پیاده خواهد کرد. جو بایدن بارها اعلام کرده به دنبال بازنگری در رابطه آمریکا به عربستان بوده و به ویژه در مورد دو مسئله جنگ یمن و مباحث حقوق بشری کوتاه نخواهد آمد. اما شکست ترامپ باعث از بین رفتن این حمایت شده و بن سلمان مجبور به اتخاذ رویکردی تدافعی در منطقه است. جو بایدن به صراحت اعلام کرده که پس از پیروزی و مراسم تحلیف، به دنبال پایان دادن به جنگ یمن خواهد بود و در زمینه حقوق بشر فشارها را بسیار افزایش می‌دهد این خبر بسیار ناگواری برای بن سلمان بود که تاکنون میلیاردها دلار به ترامپ باج داده است.

علاوه‌بر این بن سلمان نگران این است که در سیاست خاورمیانه‌ای جو بایدن، قطر نقش محوری را بر عهده بگیرد و این یک شکست و رسوایی بزرگ برای کسی است که خود را رئیس‌و رهبر جهان اهل سنت می‌داند، بنابراین محمد بن سلمان سعی دارد در این فرصت باقیمانده روابط خود را با قطر عادی کند که حداقل در دوران جو بایدن به مانعی برای بهبود روابط حسنه او با جو بایدن تبدیل نشود.

### نتیجه

البته هرچند عربستان روابط خود را با قطر عادی کرده است اما نباید از نظر دور داشت که این دو کشور پیشینه‌ای تنش زا داشته‌اند. قطر کشوری است که بیشترین شکاف را در شورای همکاری خلیج‌فارس با محور عربستان دارد. قطر در سال ۱۹۹۱ اختلاف مرزی‌اش را با بحرین نه به شورای همکاری خلیج‌فارس بلکه به دادگاه لاهه برد. خلیفه آل ثانی، امیر بلندپروازِ قطر در سال ۱۹۹۲ نیز به شکل مستقیم هژمونی ریاض را به چالش کشید و به دلیل اختلافات مرزی با عربستان از توافق مرزی سال ۱۹۶۵ که در زمان سلطه انگلیس (قبل از استقلال قطر) امضا شده بود، خارج شد. عربستان بی‌لحظه‌ای درنگ یکی از ایستگاه‌های مرزی قطر رااشغال کرد و در جریان درگیری مسلحانه، دو سرباز قطری کشته شدند.

برای عربستان در روزگاری که «صدام حسین» عملا به یک تهدید مهم تبدیل شده بود، شاخ و شانه کشیدن‌های قطر قابل تحمل نبود. فرصت بعدی برای قطر در سال ۱۹۹۴ به وجود آمد. در یمن بار دیگر جنگ داخلی آغاز شد و نیروهای «جمهوری یمن» یا همان یمن شمالی به سراغ یمن جنوبی رفتند تا کشور را متحد کنند. در حالی که عربستان به همراه باقی کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس از یمن جنوبی حمایت می‌کردند، قطر از یمن شمالی (مورد حمایت ایران و جایی که شیعیان این کشور زندگی می‌کنند) حمایت کرد. در نهایت جبهه عربستان در آن جنگ به سرعت شکست خورد و یمن متحد تبدیل شد به یک پیروزی شیرین برای دوحه.

**مهم‌ترین ضربه‌ای که اخیرا به بن‌سلمان وارد شد و او را وادار به عقب‌نشینی در برابر قطر کرد، شکست ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا و پیروزی جو بایدن بود.**

***

**جو بایدن بارها اعلام کرده است که به دنبال بازنگری در رابطه آمریکا با عربستان بوده و به ویژه، در مورد دو مسئله جنگ یمن و مباحث حقوق بشری کوتاه نخواهد آمد.**

تحولات جهان عرب در سال ۲۰۱۱ نیز فرصت دیگری برای بلندپروازی قطر را فراهم کرد. در جریان این تحولات، قطر بر خلاف برادر بزرگ یعنی عربستان، در مصر به حمایت از اخوان المسلمین و محمد مُرسی پرداخت در حالی که عربستان با هزینه میلیاردی به سقوط مرسی کمک کرد. اخوان المسلمین برای عربستان یک تهدید بزرگ به شمار می‌رود چرا که اسلام سیاسی مد نظر این جنبش با عربستان تفاوت ماهوی دارد. قطر و ترکیه به دنبال ایجاد محوری اخوانی در منطقه بودند و این مسئله به معنای به چالش کشیدن اساس‌ها و بنیادهای قدرت در عربستان است. هرچند در نهایت با کودتا علیه مرسی در مصر، عربستان تا حدودی آسوده خاطر شد، اما کینه قطر را به دل گرفت. سرانجام در خرداد ماه ۹۶ عربستان به همراه بحرین، مصر، و امارات، قطر را محاصره و کلیه روابط خود را با این کشور قطع کردند. محاصره همه‌جانبه قطر به این امید بود که این کشور کوچک سرانجام تسلیم برادر بزرگ‌تر شود. اما قطر در این مدت توانست از این محاصره خارج و شکستی بر سریال شکست‌های عربستان اضافه کند.

در واقع قطر به عنوان یک کشور کوچک در سه سال و نیم، قدرت پوشالی بن سلمان را به چالش کشید و نشان داد که آل‌سعود در شکننده‌ترین دوران حیات خود به سر می‌برد.

**کارنامه بن‌سلمان در یمن یک کارنامه شکست‌خورده است که اعتبار منطقه‌ای وی را بیش از پیش تضعیف کرده و همین مسئله به کاهش قدرت وی در برخورد با دیگر پرونده‌های منطقه‌ای مانند بحران قطر منجر شده است.**